

آشنائی با محمد تقی احسانی

گنجینه‌های خصوصی آثار هنری

به دوره‌های صفویه، زندیه و قاجاریه، استادانی مانند آقاجیف یا شاه‌تجف، محمدباقر، عباس شیرازی یا آقازمان، بوجود آورندگان بیشتر این آثارند.

قسمتی از این مجموعه خط‌هائی هستند که می‌بینید: خطوط میرصاد و دیگر کاتبان عصر صفویه و زندیه و قاجاریه، مثل محمد شفیع و عبدالمجید درویش.

— می‌شود بگوئید چه انگیزه‌ای داشته‌اید که دست‌رنج سال‌های طولانی عمرتان را برای فراهم آوردن این آثار پرداخته‌اید؟

احسانی: انگیزه من که در حدود ۲۰ سال است به گردآوری این آثار دست‌اندرکارم، این بود که پدر بزرگ من از مستوفیان عهد قاجاریه بود که قرآن‌های زیادی نوشته و کتاب‌های فراوانی به رشته تحریر درآورده که چندتائی از آنها را خودم جمع کرده‌ام. همین پیوند، از کودکی در من ایجادکننده شوقی بود که براساس آن به فکر گردآوری این آثار افتادم. اغلب که به سفرهای داخلی یا خارجی می‌روم، با بهره جستن از هر فرصتی این آثار را جمع می‌کنم. قسمتی از این آثار را در انگلستان و فرانسه و بیشترشان را در شهرهائی مانند تبریز، اصفهان، شیراز و تهران جمع‌آوری کرده‌ام.

— شاید بشود با بهره‌جستن از پاسخی که دادید، پرسشی را در زمینه خروج آثار هنری از ایران مطرح کرد. یعنی اینکه گروه یا گروههائی با گذشت زمان، توانسته‌اند با ارزش‌ترین آثار هنری ما را از دروازه‌های مملکت بیرون ببرند، تاحدی که شما باید برای دیدن آنها به موزه‌های بزرگ و کوچک جهان بروید و آنها را در بازارها و دست‌های اروپائی و امریکائی بخرید. شما به‌عنوان يك کلکسیونر ایرانی، فکر می‌کنید چه عواملی همیشه باعث خروج آسان این آثار بوده است و خروج آنها، به‌نظر شما چه لطمه‌ای به مجموعه آثار فرهنگی ما وارد آورده است؟

احسانی: تا پنجاه سال پیش هیچ نظارتی برای خروج

حفظ آثار فرهنگ ملی از سوئی و کوشش در راه شناساندن و اشاعه منطقی و امروزی این آثار از سوی دیگر، کامی مؤثر در راه شناسائی و معرفی فرهنگ ملی و تقویت عوامل و عناصر وابسته‌بدان از راه بازشناختن و بازشناساندن ارزش‌های فرهنگی و تاریخی آنست.

با این تعریف آن دسته از فرهنگ‌دوستان و معتقدان به حفظ و شناساندن آثار فرهنگ ملی را که حاصل کوشش‌های مادی خود را در راه گردآوری زمینه‌های هنری این فرهنگ صرف می‌کنند، بی‌تردید میتوان در ردیف خدمتگزاران به فرهنگ ملی بشمار آورد.

محمدتقی احسانی از جمله این پاسداران است که زمانی طولانی از عمرش را و حاصل مادی زندگیش را بر سر جمع‌آوری آثار هنری ایران از دوره‌های گوناگون نهاده و سخت به آنچه در این مدت گردآورده است عشق می‌ورزد.

درفرصتی مفتهم و درخانه احسانی، برای دیدن آثاری که گرد آورده است و نیز شناخت برداشت‌ها و مایه‌های هنری یکی از با ارزش‌ترین کلکسیونرهای دوره صفوی، به‌دیدارش رفتم.

با تواضع ما را می‌پذیرد، با اشتیاق به دیدن مجموعه قشنگش دعوت‌مان می‌کند و از مایه‌های آگاهانه‌اش در شاخه‌های هنری پیداست که می‌شود از راه گفت‌وگوئی باخود او، کیفیت و کیفیت آثارش را روشن کرد.

می‌پرسم:

می‌شود خود شما که سال‌های طولانی از عمرتان را صرف گردآوری این آثار کرده‌اید، آنها را برای ما از لحاظ دوره‌ای تقسیم کنید و در تعلقشان به دوره‌های خاص توضیحی بدهید؟

نگاهی پندرانه به تابلوها و ویتترین مجموعه‌اش می‌کند و می‌گوید:

«آثاری که من جمع‌آوری کرده‌ام، بیشتر متعلق است



— اینطور که می‌بینیم ، در مجموعه شما آثاری هست که منحصر به فرد است ، ممکن است وضع این آثار را برایمان روشن کنید .

احسانی : شاید نشود در تعبیر سطحی به این آثار گفت منحصر به فرد ، اما به اعتقاد من همه و یا بیشتر آثار هنری منحصر بفرداند ، زیرا اثر خوب هنری چیزی نیست که بشود تکرارش کرد. اینستکه به نظر من، هر کدام از این آثار را می‌شود گفت منحصر بفرد . البته وقتی من این آثار را پیدا می‌کنم ، می‌بینم به دلیل مرور زمان احتیاج به تعمیرهایی دارند و من نقاشان و تعمیرکارانی در اختیار دارم که این آثار را می‌بینند و با حوصله زیاد و مخرجی که شاید از قیمت خود اثر هم بیشتر شود ، آنها را تعمیر می‌کنند و تقریباً به صورت اولیه درمی‌آورند . چون ما واقعاً امانت‌داریم و باید این آثار را تعمیر و حفظ کنیم برای نسل‌های آینده که آنها بدانند اسلاف ما دارای چه زمینه‌ها و ارزش‌های هنری بوده‌اند .

آثار هنری از ایران وجود نداشت . این بود که بیشتر مستشرقین ، سیاحان و مأموران سیاسی که به ایران می‌آمدند ، چون بی‌به ارزش این آثار برده بودند ، آنها را از ایران خارج می‌کردند . من وقتی برای کارهای تجاری به خارج می‌روم ، در فکر این هستم که این آثار را پیدا کنم و خوشبختانه ، در جراح‌های بزرگ پاریس و لندن اغلب به آنها برخورد می‌کنم . به رفقای خودم هم که در اروپا هستند ، سفارش کرده‌ام که هر وقت با این آثار برخوردند ، بخرند و برایم بفرستند . مثلاً اخیراً تابلویی از آثار حسن خداداد نقاش دوره زندیه از انگلستان پیدا کرده‌اند ، خریدماند و برایم فرستاده‌اند . یا تابلویی که قاب و آئینه است و تاجگذاری فتح‌علی‌شاه را نشان می‌دهد . این تابلو را هم از فرانسه برایم پیدا کرده‌اند . اینست که من فقط معتقدم اگر کلکسیونرهای آثار ایرانی بتوانند آثاری را که از ایران خارج شده‌است به ایران برگردانند ، در زنده کردن ارزشهای هنری گذشتگان گام پراهمیتی برداشته خواهد شد .

احسانی : روی کتابها بیشتر نقش گل و مرغ است و روی جعبهها و قلمدانها هم هنرمندان بیشتر وقایع تاریخی ایران را نشان دادهاند - مثل جنگهایی که شاهان گذشته کردهاند و با وقایع مذهبی که در مذاهب مختلف هست . از آن جمله می توان تولد مسیح ، ماجرای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل و یا در زمینه تاریخی ، جنگ چالدران ، جنگهای شاه عباس با اوزبکها و یا پذیرائی شاه عباس از عبدالؤمن خان اوزبک که تابلویش را خود من دارم .

- به نظر شما انتخاب این تصویرها برای هنرمندان آن دورهها محدود نبود ؟

احسانی : این هنرمندان ، چنانکه من دریافته ام ، از نظر مذهبی محدود بودند و نمی توانستند همه استعداد خودشان را نشان بدهند . این بود که استعداد خودشان را به صورت تصویرهای

- قیمت گرانترین اثری که دارید تا چه حدی است

و چه تعریفی برایش می کنید ؟

احسانی : قیمت که نمی شود برایش قائل شد ، اما جعبه ای دارم که متعلق به دوره زندیه است که ۲۱ مجلس بزم و رزم دارد . مجلس روی جعبه جنگ چالدران شاه اسماعیل صفوی است با ترکها و دورش هم مجالس بزم و رزم آن زمان است . هر محقق ، با دیدن مجالس این جعبه ، می تواند تا حدود زیادی به زندگی اجتماعی آن دوره پی ببرد و نیز به طرز لباس پوشیدن و معاشرتشان .

- نقشهایی که معمولاً روی جعبهها و قلمدانها و کتابهای سه دوره صفویه و زندیه و قاجاریه می بینیم ، معمولاً نشان دهنده چه چیزی است و چه زمینهها و عناصر مشترکی دارد ؟

راست : از زیبای اشعار یک شیرازی وسط : حضرت مریم و مسیح ، کارگاه عباس نقاشی شیرازی چپ : جلد کتاب گلشن راز شبروی





یک نقاشی از عهد زندیه

مختلف روی قلمدان‌ها ، کتاب‌ها و یا به صورت مینیاتور درمی‌آوردند . وقتی اینها را مقایسه کنیم با نقاشان و بطور کلی هنرمندان اروپائی آن عصر ، می‌بینیم که آنها بدلیل داشتن آزادی عمل بیشتر ، می‌توانستند هنر خودشان را کاملاً نشان بدهند . اما در ایران بدلیل محدودیت‌های خاصی پیشرفت و تحول هنری محدود می‌شد به صورت گل‌بوته ، وجبه‌های مختلف و قلمدان و کتاب .

— می‌دانید که اعراب پس از استیلا بر ایران ، نقاشی را تحریم کرده بودند و این از نقطه نظر فرهنگی لطمه شدیدی بود . این بود که ذوق نقاشی از راه بهره‌جستن از خط‌های اسلامی که با سلیقه ایرانیان تغییراتی کرده بود ، بردیوارهای مساجد و ساختمان‌ها اغلب متجلی می‌شد . با نظری اجمالی ، چنین بر می‌آید که از دوره صفویه هنر نقاشی که پیش از آن حرکتی کرده بود تضحیف گرفت .

فکر نمی‌کنید به دلیل آنکه نقاشی در این دوره نوعی آغاز بود ، محدودیت تصویر می‌داشت ؟ بگذریم که مسائل اجتماعی و مذهبی و سیاسی را در این مورد نمی‌توان از نظر دور داشت .

احسانی : در زمان مغول‌ها ، هنرچینی با هنر ایرانی با یکدیگر ترکیب شد و تا اواخر دوره تیمور وحتى ابتدای صفویه این هنر در نقاشی ایران به صورت مینیاتور نمود پیدا کرده بود . اما از اواخر صفویه ایرانی‌ها از نظر هنری مستقل شدند و تمسویری که ما می‌بینیم ، واقعاً فرم ایرانی پیدا کرد و همین‌طور که در مجموعه خود من می‌بینید روی قلمدان‌ها ، کتاب‌ها ، جلد‌ها و جبهه‌ها منعکس شده است . این کارها ، کاملاً با کارهای زمان تیموریان یا چنگیزیان تفاوت دارد . اینست که این تصویرها صورت خالص ایرانی پیدا کرده‌اند .

— فکر می‌کنید چه دلایل تاریخی ، فرهنگی و اجتماعی دارد که روی بعضی از این آثار که در مجموعه خود شما هم هست ، زمینه‌های تمسویری مسیحی نقش شده‌است .

احسانی : اینها را غالباً مسیحیانی که در ایران بودند ، مثل ارمنه و آسوری‌ها که هنردوست بودند به نقاشان سفارش می‌دادند و می‌خواستند که مطابق اسول و برداشت و اعتقادهای مذهبی خودشان ، این تصویرها روی کتاب‌ها ، قلمدان‌ها و جبهه‌ها نقش پذیرد .

با این توضیح ، آقای احسانی قلمدانی را از مجموعه خود نشان می‌دهد که با ظرافت دلچسبی تولد حضرت مسیح را نشان می‌دهد و می‌گوید این تصویر ، نموداری است از نقاشی ایتالیائی و خودش عین یا اصل آنرا در واتیکان دیده است . تصویر نشان می‌دهد که مسیح متولد شده و حضرت مریم در حال عروج به آسمان است و مردمی که آنجا حضور دارند ، عروج حضرت مریم را با تعجب نگاه می‌کنند .

— به اعتقاد شما بطور کلی این تصویرها از نقاشی غرب تأثیر پذیرفته است ؟

احسانی — بله ، تا حدود محسوسی از نقاشی غرب متأثر است . مثلاً آقا زمان که در اواخر صفویه ، از طرف شاه عباس به ایتالیا فرستاده شده بود که روی نقاشی اروپائی مطالعه کند ، از نقاشی ایتالیائی تأثیر مشخصی پذیرفت — من از نقاشی‌های آقا زمان چند نمونه در مجموعه خودم دارم که این تأثیر را نشان می‌دهد .

بطوریکه معروف است آقازمان در ایتالیا مسیحی شد و در برگشت به ایران مسیحی بودن خود را مخفی نگاه می‌داشت اما پس از مدتی به هندوستان رفت و آنجا آثار فراوانی خلق کرد که ترکیبی بود از نقاشی غربی و ایرانی.

— معروفترین تصویرهایی که از سه دوره صفویه، زندیه و قاجاریه در مجموعه شما گرد آمده، کدامها هستند؟

احسانی: از چهره‌های معروف چند قلمدان دارم که بارعام ناصرالدین‌شاه را نشان می‌دهد. وقتی به این تصویرها نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که تشریفات روزهای سلام ناصرالدین‌شاه چگونه بوده است. یکی دیگر شکارهای جرگه‌ای فتح‌علیشاه را نشان می‌دهد و اینکه خوک و گراز چطور با تیر و کمان در شکارهای جرگه‌ای از پا درمی‌آمدند. زوی یکی از قلمدان‌ها هم ده جور شکار را می‌بینید، شکار با قوش، تیر کمان، با اسب و انواع شکارهای پیاده.

— از مطالعه‌ای که روی آثار نقاشان و قلمکاران سه دوره صفویه، زندیه و قاجاریه کرده‌اید، چه نتایجی در مورد هنرمندان نامی این سه دوره گرفته‌اید؟

احسانی: در زمان زندیه نقاشانی بودند مثل آقازمان، میرزا احمد، میرزا حسن که آثاری بصورت قاب‌آینه، قلمدان و نقاشی روی جلد کتاب از خودشان باقی گذاشته‌اند. در زمان قاجاریه هم هنرمندانی را می‌شناسیم مانند آقازمان دوم، آقابابا، آقاباقر، آقانبغف و میرزا عباس شیرازی که سرآمد هنرمندان دوره خود بودند. اینها آثارشان را به صورت تابلو، جمعه، قلمدان و جلد کتاب عرضه کرده‌اند و خصلت مشخص اینها، دقت و ظرافت بود و بهره‌جستن از حداکثر خلاقیت در محدودیت کلاسیک.

— به اعتقاد شما با چه وسایل و امکاناتی می‌شود جمع‌آوری آثار هنر ایران را تشویق کرد و کسانی که به این اقدام دست

می‌زنند، دارای چه شرایطی باید باشند؟

احسانی: اقدام به جمع‌آوری آثار هنری، با داشتن اطلاعات کافی درباره آثار هنری و شناخت آنها باید همراه باشد. هر کسی نمی‌تواند دست باین کار بزند. چه‌بسا از این آثار که تقلید می‌شود و به‌صورت بدلی به‌بازار می‌آید. اگر کلکسیونر شناسائی نداشته باشد، آثار بدلی را می‌خرد و در مجموعه خود نگهداری می‌کند. کلکسیونر باید بداند اثر متعلق به چه دوره‌ای است، خاتش کیست و چه ارزشی دارد. رسیدن به این حد، تجربه‌ای طولانی می‌طلبد.

— ممکن است آثار مجموعه خودتان را به تعداد تقسیم‌بندی بفرمایید؟

احسانی: در حدود ۱۰۰ قلمدان خوب دارم. تعدادی از آثار این مجموعه هم فلزی است، مثل قلمدان‌های فولادی، خنجرهای فولادی، جعبه‌های جراحی و جعبه ترازو که با وجود آنکه جنشان فولاد است با دست ساخته شده‌اند و باورکردنی نیست که چنین آثاری را بشود با این ظرافت با دست ساخت. در این مجموعه ترازوهایی هست که قیراط را می‌کشد. شاهین این ترازوها که با فولاد ساخته شده است، چنان دقیق وزن می‌کنند که باورکردنی نیست. جعبه‌ای دارم که شامل لوازم جراحی دوره زندیه است. جنس این لوازم با فولاد است و با دست ساخته شده است که واقعاً یک مجموعه هنری است. شانه، موجین و بسیاری آثار دیگر در این مجموعه دارم که با فولاد ساخته شده‌اند. عجیب اینست که این پولادها را توانسته‌اند با وسایل محدودی که آنروز داشته‌اند، چنین ظریف و قشنگ از کار درآورند.

— میل دارید نمایشگاهی از آثار مجموعه خودتان ترتیب بدهید؟

احسانی: البته اگر وسائلی برای حفظ آنها فراهم شود،

یک قلمدان که یکی از صحنه‌های جنگ را نشان می‌دهد، کار آقا ابراهیم نقاش



خیلی هم مشتاق اینکارم - برای اینکه نسل حاضر به میزان ذوق گذشتگان پی ببرد و بداند که آنها چطور با نبودن وسایل کافی و ماشین آلات امروزی، توانسته‌اند خالق چنین آثاری باشند.

- به نظر شما، در این آثار چه مایه‌ها و زمینه‌هایی هست که می‌تواند هنرمندان امروز ما را در خلق آثار هنری بکار آید.

احسانی: این آثار بویژه در دوره قاجاریه، برای نقاشان امروز ما، اگر بخواهند به نقاشی امروز ما رنگی ایرانی بدهند، منبع و مایه فراوانی است. نقاشی یک قلمدان شاید به نظر خیلی‌ها ساده بیاید. اما یک گل و برگ، یا نقش یک بنا و یا نشان دادن طرز لباس و معاشرت آنروز، مایه‌ای است برای نقاشان و معماران امروزی.

با نگاهی به قلمدان‌ها، جعبه‌ها و جلد کتاب‌های مجموعه احسانی، دستش را می‌فشارم، درحالی که یکی از صحنه‌های زندگی یوسف و زلیخا کار صنایع همایون، جوانی آقاخان محلاتی را در ملاقات با یکی از رجال فرقه اسماعیلیه، سوره یاسین عبدالمجید درویش را به خط شکسته، تابلوهای شایسته نقاش شیرازی، زندگی بایزید بسطامی در ملاقات با سید طالقانی و بسیاری از نقاشی جلد کتاب‌هایش را در ذهن دارم.



بالا: زن قشقایی، کار لطفعلی شیرازی
پائین: دربالا یک صحنه بزم و درپائین صحنه جنگ چالدران که نقاشی شده است، دیده می‌شود

